

مبانی ارزش‌های سیاسی

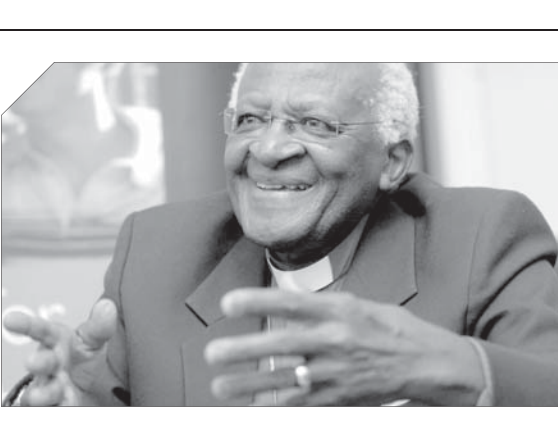
چیستی و کارکرد مفهوم ارزش، ارائه می‌شود.

ارزش؟ به تعبیری کلی و کاربردی، ارزش‌ها پدیده‌های روان‌شناختی هستند که در رفتار انسان‌ها متبلور می‌شوند. به عبارتی، ارزش‌ها به مثابه بنیاد تمامی آرزوها، آرمان‌ها، اهداف، خواسته‌ها، تمایلات و… که شکل‌دهنده رفتار انسان‌ها در عرصه‌های گوناگون شخصی و اجتماعی هستند. «تابع انواع نیازهای مادی، روان‌شناختی و اجتماعی هستند». به بیانی کاربردی‌تر، ارزش‌ها برابند، مبتنی یا تابع «میزان، وسعت، عمق و اخلاقی بودن درک ما» از چیستی خود (شناسایی) و محیط زیست پیرامون هستند. به‌طور کلی ارزش‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ارزش‌های فردی، ارزش‌های گروهی (معلمان، دانشجویان، دلالان مسکن و ماشین، کارشناسان و متافیزیک، پزشکان، ورزشکاران و…) و ارزش‌های اجتماعی (ملی). نکته قابل توجه اینکه، ارزش‌ها طول عمر دارند و اینکه طول عمر ارزش‌ها تابع کارکرد آنها برای انسان‌هاست. کارکرد به این معنی که تا زمانی که انجام دادن یا ندادن نکته مشترک میان ارزش‌های فردی، گروهی و اجتماعی است که کارکرد ارزش‌ها برابند یک رابطه علت و معلولی است. اگر مشترکات جمعی را تجميع انواع نیازها، اهداف، تمایلات و… فردی تلقی کنیم، آن‌گاه مفهوم پدیده ارزش یک امر فردی و نه گروهی و اجتماعی است. به این معنی که «ارزش به واسطه برخی نیازها، اهداف، آرزوها و… فردی، ارزش تلقی می‌شود و نه به واسطه انواع دلایل گروهی و اجتماعی». به عبارتی اعتبار ارزش‌های اجتماعی مبتنی بر

تحقق ارزش‌های فردی است. بنابراین، اینکه برخی ارزش‌ها، گروهی و اجتماعی تلقی می‌شوند، نه به خاطر ویژگی خاص یک ارزش، بلکه به این خاطر است که «ارزش‌های اجتماعی تبلور ارزش‌های فردی» هستند. بنابراین به‌طور کلی مفهوم پدیده «ارزش» ریشه و جنسی فردی و نه جمعی دارد. به عبارتی، ریشه ارزش‌های گروهی و اجتماعی در ارزش‌های فردی است. ازاین‌رو، «اعتبار انواع ارزش‌های اجتماعی (ازجمله سیاسی) نه در خود ارزش، بلکه در برخی نیازهای مشترک در افراد است». نکته حائز اهمیت درباره ارزش‌ها این است که ارزش‌های مادی که ریشه در انواع نیازهای اولیه برای تداوم بقا دارند، صرف‌نظر از شرایط روان‌شناختی و اجتماعی، پایدار و نامتغیر هستند. به عنوان مثال، انسان‌ها در هر شرایط و مکانی و اجتماعی، نیاز به غذا، مسکن، لباس و… دارند. اما ارزش‌های روان‌شناختی و اجتماعی تابع شرایط محیط زیست و در نتیجه متغیر هستند. به عنوان مثال، در کره شمالی شهروندان نمی‌توانند علاقه‌مندی‌های متعدد و مستقل داشته باشند یا عملکرد دولت را نقد کنند. بنابراین در کره شمالی، تولید آثار فرهنگی یا شیوه سیاست‌ورزی مشابه آنچه در کره جنوبی رایج است، نهنتها یک ارزش پسندیده نیست بلکه یک ارزش نامطلوب یا غیرقانونی تلقی می‌شود. شاید «عدم آگاهی و توجه به مشروط و متغیر بودن ارزش‌های روان‌شناختی و اجتماعی (سیاسی) در کنار بیکبری منافع جناحی»، دلیل این رفتار برخی اذهان و اراده‌ها است که در گذشته تلاش کرده‌اند تا ارزش‌های (تاریخی و…) متعلق به قرون پیشین را در جوامع امروزی دانش، قانون، اخلاق و فناوری بنیاد به شهروندان بقبولانند. مبتنی بر تبیین کلی و مختصر فوق، می‌توان ارزش‌های سیاسی را در چارچوب ارزش‌های اجتماعی تلقی کرد. اگر تبیین ارائه‌شده از مفهوم و پدیده ارزش کاربردی و منطقی تلقی شود، آن‌گاه، بدیهی‌ترین نتیجه‌گیری این خواهد بود که ارزش‌های سیاسی نمی‌توانند معایر ارزش‌های (فردی) شهروندان باشند. چراکه ارزش‌های

اجتماعی تجميع ارزش‌های فردی در عرصه‌های گوناگون هستند. در تبیین فوق ارزش‌ها به مادی، روان‌شناختی و اجتماعی تقسیم شدند و اینکه ارزش‌های مادی ثابت و ارزش‌های روان‌شناختی و اجتماعی مشروط و متغیر هستند. اگر تفکیک ارزش‌های مادی، روان‌شناختی و اجتماعی، کاربردی تلقی شود، آن‌گاه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک، اولویت اهداف و طرح‌های سیاسی باید برابند ارزش‌های مادی (غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان و…) باشد. دو، اینکه، توسل به ارزش‌های پیشین به منظور مدیریت انواع امور و نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی «خلاف منط» است. خلافاً منط، به این معنی که جوامع دانش، اخلاق، فناوری و… بنیاد کنونی، هیچ شباهتی به جوامع پیشین که فاقد داشته‌های علمی، انسانی و اجتماعی معاصر بودند، ندارند. اگر رابطه ارزش‌های سیاسی و ارزش‌های شهروندان منطقی و کاربردی تلقی شود، آن‌گاه می‌توان ادعا کرد که ناکارآمدی مدیریت و ناکامی اهداف و سیاست‌ها برابند «ارزش‌هایی است که با ارزش‌های آحاد شهروندان مطابقت ندارد». در جهان خرد، اخلاق، دانش بنیاد و «امن» معاصر، ارزش‌های سیاسی برخلاف قرون پیشین، عصاره ارزش‌های جمعی (ملی) هستند. بنا بر شواهد و تجربیات بی‌شمار، در جهان معاصر، حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های جناحی نهنتها کوتاه‌مدت، بلکه منشأ درد و رنج بی‌پایان برای شهروندان خواهد بود. اینکه درک ارزش‌های سیاسی به مثابه بنیاد اهداف، طرح‌ها و اندیشه‌های سیاسی، می‌تواند شهروندان را به عمق اذهان سیاست‌ورزان، کارگزاران و صاحب‌منصبان راهنمایی کند. به عبارتی، ارزش‌های سیاسی کاربردی و شفاف‌ترین سنگ محک برای تشخیص «صداقت و وطن‌دوستی» سیاست‌ورزان و صاحب‌منصبان هستند.

شاید مهم‌ترین وظیفه وطن‌دوستان منتقد به شرایط موجود اجتماعی، تفکیک و تعیین مرز شفاف میان ارزش‌های جمعی (ملی) و ارزش‌های جناحی و مبرق‌واقع‌بینانه باشد.



شویم. وفور پریشیدگی، افاق نگاه ما را به آینده نامطمئن و ناشاد می‌کند. مهار این مخصصه‌ها، به تجهیز ذهنی ما بستگی دارد. قدرت ذهن، می‌تواند به ما استیلا بدهد و بر مرتبه‌ای رفیع بنشانند. به گفته کریس هانی، تقویت امیدی مقاوم و پرفروغ به فردای بهتر و تحکیم خوش‌بینی همیشگی به خداوند، در توان‌بخشی به خود بسیار مفید و مؤثر است. سونیا لیمبرومیرسکی، هنگامی که ستون‌های شادی را برمی‌شمارد، مهم‌ترین آن عوامل را وسعت مشرب و بلندنظری می‌داند که پایه مستحکم خرسندی پایدار است. اگر به‌درستی آموختیم که حتی به مصیبت‌ها و رنج‌های پردرد هم از زاویه دیگر بنگریم و در آن، مراحل رشد را بیابیم، در خواهیم یافت که چگونه وقوع یک فاجعه هم می‌تواند اسباب تکامل ما را فراهم کند. کوبه‌بینی و تنگ‌نظری، جهان ما را خفیف و حقیر می‌کند. در مراسم اعطای جایزه تمپلوتن (Templeton Prize) مجال مفتحی دست داد تا با ستاره‌شناس شهیر بریتانیایی، سر مارتین ریس، گفت‌وگوی اثرگذاری داشته باشیم. در خلال صحبت، او از به میانه رسیدن عمر زمین سخن گفت. با خود در اندیشه بودم، هنگامی که یک انسان به نقطه‌ای می‌رسد که از چنین زاویه دید وسیعی برخوردار باشد، مسائل روزمره زندگی را در ابعاد و مقیاس به‌کلی متفاوتی از دیگران ارزیابی می‌کند و حتما کمتر ادبیت می‌شود. به تعبیر شاعرانه دنیل گلدمن: تغییر نگرش، نوید و محرک به‌راه‌افتادن کاروان شادمانی است.

◀ **اسقف اعظم سابق آفریقای جنوبی، برنده جایزه صلح نوبل**
◀◀ **دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی و دین‌پژوه**
منبع: **تلخیصی از کتاب شادمانی پایدار در دنیای ناپایدار**

اقتصادی و آینده مبهم سیاسی از یکدیگر اطاعت می‌کنند، اطاعتی شکننده و وابسته به شرایط. آیا ما داریم به‌سوی دولت بدون ملت و ملت بدون دولت گام برمی‌داریم؟ وضعیت موجود بیش از آنکه به عملکرد ابراهیم رئیسی بازگردد، از شیوه انتخاب او نشئت می‌گیرد؛ انتخابی در غیاب کثیر مردم. اینک این نکته وضوح بیشتری یافته است که غیاب مردم تا چه میزان هولناک خواهد بود و هولناک‌تر از آن حضور خودخوانده مردم در خیابان است. البته نکته مهم این است که پیش از انتخاب دولت سیزدهم این شیوه بازتولید قدرت به پایان خود رسیده بود و شاید هر شخص دیگری نیز جای ابراهیم رئیسی می‌نشست، معلوم نبود وضعیت موجود متفاوت می‌شد یا نه! به هر تقدیر در وضعیت کنونی مردم نسبت خود را با دولت از دست داده‌اند و در فقدان این نسبت در جست‌وجوی «دیگری» هستند. اگرچه، اگر‌های معطوف به گذشته کارکرد چندانی

پروانه تردد سالیانه خودروی سواری هیوندای تیپ ساتانه مدل ۲۰۱۵ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۹۲۸۸۱ سری ۳۳ ارونده به شماره شاسی KMHSU81C3FU418151 به شماره موتور G4KEEU500992 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه تردد سالیانه خودروی سواری Toyota تیپRAV4 مدل ۲۰۱۶ به رنگ سفید به شماره پلاک ۴۹۸۲۴ سری ۳۳ ارونده به شماره شاسی JTMDJ4EVXGJ060111 به شماره موتور 2ARF147045 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



کورش الماسی

لازم نیست دارای تحصیلات آکادمیک یا کارشناس متافیزیک باشیم تا متوجه شویم که شرایط اجتماعی و پرچالش است. اگر بپذیریم که عملکرد امروز، آینده جامعه را می‌سازد، ترسیم چگونگی آینده کار دشواری نخواهد بود. از این منظر، یک نگاه کلی و سطحی به شرایط معیشت شهروندان، اقتصاد کلان، وضعیت آموزش و پرورش، روابط خارج و… می‌تواند به شفاف‌ترین شکل، آینده کشور را برای ما مجسم کند. اینکه، هیچ وطن‌پرستی خواهان التهاب و آشفتگی اجتماعی نیست، بلکه تنها بدخواهان بیگانه و عوامل داخلی آنها از آشفتگی اجتماعی خشنود و منتفع می‌شوند. اگر آشفتگی و التهاب را نتیجه رفتار اجتماعی غیرمتداول و غیرمعمول شهروندان در همه سطوح رسمی (صاحب‌منصبان) و غیررسمی تلقی کنیم، آن‌گاه یک تحلیل رفتارشناسانه مبتنی بر درک چیستی و کارکرد ارزش‌ها به‌عنوان اساس رفتار انسان‌ها، می‌تواند نهنتها منجر به درک ریشه‌های آشفتگی و التهاب اجتماعی جاری، بلکه اقفی برای مدیریت زیست اجتماعی پیش‌روی وطن‌دوستان در ساختار تصمیم‌گیری کلان قرار دهد. یقیناً تبیین مطلوب مفهوم ارزش، بسیار فراتر از مجال و توان یک موجز است، با وجود این، نکاتی کلی و مختصر پیرامون

اسقف دزموند توتو*

راه لذت از درون دان، نه از برون



علی نوازنی **

آدمی در مواجهه با رنج‌ها و ناکامی‌ها، آسیب‌پذیر است. گاه فروبستگی‌ها، انسان را به تکرار در تنگنای حصراری قرار می‌دهد که باعث رمدین از زندگی است. به همین سبب، نقش و تأثیر شادمانی را می‌توان بهتر دریافت. دل‌سپردن به شادبایی، لزوماً به این معنا نیست که دلشکستگی‌ها و مشقت‌های زندگی برای همیشه رخت برمی‌بندند و ما را ترک می‌کنند؛ ما سرسپردن به شادخویی، حس گرم زندگی مطلوب را در ما ارتقا می‌بخشد. آن‌گاه از پس چنان نگاهی، رنج دیگر موجب روان‌پریشی و نژندی و دل‌زدگی نیست. امکانی برای کسب اعتلا است. من شخصاً قدر شادی از خوب می‌دانم. چه بسیار که این قدرشناسی، ریشه در گذشته تلخی دارد که آثار و تبعات فسرده‌گی و دل‌مرگی را در کانون خانواده‌ام عمیقاً درک کردم و تا به امروز در برابر همه رنج‌ها همین رویکرد را حفظ کرده‌ام. همین بازگشت سرطان من، محرکی شد تا بسی بهتر از قبل به زندگی متمرکز باشم. اکنون معنای دارماشالا «خانه زائر» را که از ترکیب دو واژه دارما به معنی آموزش و شالا به معنی سکونتگاه است، بهتر درمی‌یابم. حالات نیایش پرایم در لطافت دیگری است. این رویکرد، وقار برانزده‌ای به شما می‌افزاید. هنگامی که متوجه باشیم که اصل در زندگی بر شادمانی درون استوار است و خداوند ماهیت رشد ما را بر زیبایی بنا نهاده، دیگر مجالی برای ملال نمی‌ماند. من اینک ظرفیت مضاعفی برای زندگی‌کردن در خود دارم. حتی دلخوشی‌های کوچک و لذایذ اندک، برایم طعم دیگری دارند. همین دسر محبوبم، خوشمزه‌تر از همیشه است. گاه که شگفتن و جلوه‌گری گل‌ها را تماشا می‌کنم از نظرم می‌گذرد که گل‌ها خود به‌خوبی می‌دانند که مهلت عمرشان کوتاه است و باید قدر هر روز زندگی را بدانند. تعجب ندارد که حتی رهبران معنوی هم

ادامه از صفحه اول

«اگرهای» سیاست

ناگفته بیادست تا تغییرات جدی در مناسبات اقتصادی صورت نگیرد، تغییری واقعی در سیاست صورت نخواهد گرفت. تغییرات عمیق در سیاست مستلزم تغییرات اقتصادی است و لاغیر.
خاصه اینکه روابط و مناسبات اقتصادی تحت‌تأثیر تحریم‌های اقتصادی‌اند. وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران این واقعیت تلخ را بازتولید کرده است که در سیاست «بازنده و برنده‌ای» وجود ندارد و سیاست در ایران تزویج قهرمان و ضدقهرمان است. به خاطر همین رویکرد به سیاست است که دولتیان برای بردن منفعت بیشتر دم را غنیمت شمرده و به تبعات این رویکرد بی‌اعتنا بوده‌اند. یکی از تبعات مهم این رویکرد

پروانه تردد سالیانه خودروی سواری هیوندای تیپ H۱0-AT مدل ۲۰۱۶ به رنگ قرمز متالیک به شماره پلاک ۴۳۳۵۶ سری ۳۳ ارونده به شماره شاسی MALA751C3GM260916 به شماره موتور G4LAFM621862 سیلندر ۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ادامه از صفحه اول

مبادا نتیجه حکمرانی نو به حاکم شدن تدروی ختم شود

خانم آرزو ایرانی گفت: از امام‌جمعه عزیز شهردان بابت ایجاد این فرصت ممنونم. از اینکه اجازه داده شد در این تریبون به جای سخنرانی مقامات یا حمایت از آنان، فرصت طرح مسائل و انتقادات و اعتراضات فراهم شود، خوشحالم و امیدوار به ادامه این روش خیلی مختصر از واقعیت و وضعیت شرکت خودمان بگویم. از ابتدای سال گذشته، یعنی دقیقاً یک سال پیش هفت نفر از تیم ۱۲نفره متخصص ما از ایران رفتند. چند نفرشان در همین کشورهای حاشیه خلیج فارس با حقوق و امکانات خوب جذب بازار کار حوزه برنامه‌نویسی شدند و چند نفر هم با وجود تحمل همه کمبودها از مهرماه سال گذشته برای ادامه تحصیل و کار مهاجرت کردند. با همه اینها دست از کار نکشیدیم و ادامه می‌دهیم. دوستانمان هم که رفته‌اند، دل‌شان اینجاست، می‌گویند شرایط که خوب شد برمی‌گردیم، بعضی‌شان گرفتار مخارج ماهانه‌شان بودند و البته اغلب به خاطر نداشتن دورنما و امید به آینده رفتند. تا چند ماه پیش با هم از راه دور کار می‌کردیم و پروژه‌های داخلی را کمک می‌کردند، با کندی و فیلتر پیام‌رسان‌هایی که دنیا با آنها کار می‌کند، از حضور مجازی‌شان هم محروم شدیم. راستش ما که مانده‌ایم هنوز امیدواریم. امیدوار به اینکه کمی از آنچه را وعده می‌دهید، عمل کنید و آنچه به آینده نامشخص خواهد می‌کنید، به درد امروزمان بخورد. به اندازه کافی بهانه برای ناامیدی هست، لطفاً با حرف‌ها و بی‌عملی‌های‌تان بر این سرخوردگی ندمید. توقع‌مان هم چیزهای عجیب‌وغریبی نیست، یک زندگی معمولی بی‌دغدغه و بی‌استرس. چرا هر روز باید به جای برنامه‌ریزی برای فردا و آینده، نگاه‌مان به قیمت دلار فردایی باشد؟ چرا باید هر روز به این فکر بیفتیم که هرچه را داریم، بفروشیم و تبدیل کنیم تا حداقل اندک سرمایه‌های مادی‌مان ناپود نشود تا حداقل چند روز بعد از امروزمان به سختی نيفتیم؟ به نظرم گفتن این حرف‌ها آب به آساب دشمن ریختن نیست، عمل‌نکردن به وعده‌ها و ناکارآمدی و فساد و نادیده‌گرفتن اعتراض و انتقاد مردم و سرخوردگی این مردم خواست دشمن است. پدرم در اوج نوجوانی در دفاع از کشور و برای حفظ کشور اسیر شد، من فرزند آزاده این کشورم. این روزها او هم از درد من و امثال من غصه می‌خورد. کاش در روش‌های برخورد با هر پدیده‌ای، کمترین سختی به مردم وارد می‌شد، بستن و برخورد با کسب‌وکارها آن هم در سالی که قرار است معیشت و اقتصاد در اولویت باشد، دردی از فرهنگ و حجاب دوا نمی‌کند. چرا قبول نمی‌کنید این روش‌ها اگر قرار بود جواب بدهند، کار به اینجا نمی‌رسید. چرا برای حل بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین مسئله هنوز از مرحله آزمون و خطا خارج نشده‌ایم؟ و اصلاً چرا هنوز کسی درست و آرام و منطقی پاسخ روشن و معقولی به این همه پرسش ما نمی‌دهد؟ صحبت را کوتاه می‌کنم، از امام‌جمعه عزیز شهردان که حداقل با نایده‌نگرفتن مشکلات و دردهای مردم، درد مضاعف بر آنان وارد نکرده و همیشه برای مردم باران رحمت و مهر بوده و شجاعانه بر مسئولان ناکارآمد و فاسد مانند ردعبورق غریبه و درخشیده، ممنونم.

نرونیسم؛ حل‌کردن مشکلات با یک ضربه شمشیر

مگر نه اینکه هنوز خواسته‌هایمان شبیه به خواسته‌های ۱۲۰ سال پیش در جنبش مشروطه است؟ و البته هنوز هم با وجود این همه شمشیرزدن، باز هم گمان می‌کنیم تا رسیدن به کعبه آمال و مدینه فاضله، یک ضربه شمشیر و فقط یک ضربه شمشیر دیگر لازم است. این فقط تصور مردم عادی کشورمان نیست که حتی اکثریت نخبگانمان هم چنین تصویری دارند و هر نوع روش «گام به گام» برای رسیدن به مقصود را تحقیر و تقیح می‌کنند. اگر از شور انقلابی اوایل انقلاب هم بگذریم که سیاست «گام به گام» مرحوم بازرگان، از سوی حومه انقلابیون آن دوره مورد تمسخر قرار می‌گرفت و آن «بیر سیاست»، متمم می‌شد به وادادگی در برابر غرب و لبريال‌بودن، که کافی است به اسامی بعضی کسانی که چنین آن پیرمرد را تحقیر می‌کردند، بیندازیم که ببینیم دشمنان خوبی، در این موضوع چقدر متحد و هم‌وا بودند، تا یی ببریم که تا چه اندازه، حتی نخبگانمان از سیاست گام به گام متفرندن. فقط به اسامی بعضی از این افراد دقت کنید، «غلامحسین ساعدی، حبیب‌الله پیمان، احمد شاملو، مهدی اخوان‌ثالثت و…». برای آنکه بدانیم این بزرگان، چه گاهی به سیاست داشته و هنوز بسیاری به همین نگاه هستند، نمونه‌ای از نظر مرحوم غلامحسین ساعدی می‌آورم، آنجا که گفته «دولت موقت، یک دولت فاشیست و ضدانسانی است» یا آنجا که شاملو اشاره می‌کند «واقعاً که این استاد مهندس بازرگان ما، وجودش به تنهایی برای همه انقلاب‌های سفت و نیم‌بند و آبکی سراسر دنیا بس است». اگر از این بگذریم که این سخنان ناشی از جو انقلابی ماه‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب است، اما حتی بعد از گذشت یک ربع قرن و در دانشگاه تهران که مرکز پرورش نخبگان کشور است، ماجرا غیر از این نبود که قشر فرهیخته جامعه، در آخرین سخنرانی خاتمی، با او چه کردند که رئیس دولت اصلاحات در جواب گفت «من خواهم رفت و بعد از مرا هم خواهید دید». و آیا امروز غیر از همین است؟ برای ما آنچه مطلوب است، رسیدن به نتیجه با یک ضربه شمشیر است، حتی اگر ۱۵۰ سال شمشیر زده باشیم و باز در همان جای اول باشیم.

در ایام تعطیلات که پیش‌نویس این یادداشت را آماده می‌کردم، بسیار جست‌وجو کردم تا توضیحی برای «نرونیسم» بیابم. امسا عجیب بود که در بین این همه ایسمم در دنیا، نرونیسمم وجود ندارد. شاید به این دلیل که ایسم‌ها، توضیحی است برای گرایش‌های عقیدتی که غربی‌ها وضع کرده‌اند و در آن دبار، کسی به این شیوه که با یک ضربه و در یک حرکت همه چیز را حل‌کند اعتقاد ندارد و این نگاه با مرگ نرون در همان دو هزار سال پیش به کنار نهاده شد. اما در سرزمین ما، گویا این «ایسم» طرفداران بسیار ثابت‌قدمی دارد و با آنکه هیچ‌گاه نتیجه‌ای عاید مردم نکرده، ولی کسی به این نتیجه نمی‌رسد که دست از «نرونیسم» بردارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

با توجه به عدم حصول حد نصاب قانونی مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم

به شماره ثبت ۲۷۹۴ و شناسه ملی ۱۸۵۴۷/۱۰۳۲۰۶

در مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ و عدم رسمیت مجمع مذکور بدینوسیله از کلیه اعضای محترم موسسه دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی‌عادی نوبت دوم که از ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۲/۰۱ در نشانی: تهران، بزرگراه آزادی‌پس، تقاطع آزادی‌پس، مجمع اداری سهیل، واحد ۱۳۰۱ کد پستی: ۹۷۱۰۹۵۴۹۱۴ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانید. دستور جلسه مجمع عمومی‌عادی بطور فوق العاده: انتخاب مدیران، تعیین اعضای هیئت مدیره، تعیین وضعیت امضا مجاز، تعیین سمت مدیران و مواردی که در صلاحیت مجمع می‌باشد.

هیات مدیره